شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴
شماره ۴۵۲۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

آیا با فرض اجرای طرح ترامپ مشکل صهیونیست‌ها حل می‌شود؟

حماس نشناس‌ها

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

طرح ترامپ برای آتش‌بس و صلح در غزه هدفی جز ترسیم «تسلیم حماس» ندارد، اما جالب آنکه اوضاع رژیم صهیونی به میزانی وخیم است که فردی مانند «بتزلل اسموتریچ» وزیر دارایی و شخص دوم در وزارت دفاع، این طرح را هم باعث گریه صهیونیست‌ها در آینده توصیف کرده است. فارغ از وخامت اوضاع رژیم صهیونی، اما تحقق همین امر با تردیدهایی روبه‌رو است. آنگونه که اکثریت تحلیل کرده‌اند، حماس در نهایت نظر مثبت خود را به همراه درخواست برای چند اصلاح اعلام خواهد کرد تا با مانوری سیاسی از فشارها برای پذیرش رها شود. این حرکت که تاکنون در چند نوبت انجام شده، اما توسط دشمن قابل پیش‌بینی است و آن‌ها خود را برای این سناریو آماده کرده‌اند. حملات راکتی از غزه به سمت شهرک‌های صهیونیست‌نشین در اطراف نوار غزه، پیام عملی مقاومت نسبت به طرح ترامپ بود و هرچه در میز مذاکره صورت گیرد، ترجمانی از این پاسخ میدانی خواهد بود.

نکات

در خصوص روند کنونی مذاکرات و طرح ترامپ، نکات ذیل حائز اهمیتند.

۱ در خلع سلاح، بین اجبار و سازش، دومی برای اجرای صحیح فرایند مهم‌تر است. آنچه اکنون غرب درپی آن است، مجبور کردن حماس به خلع سلاح به حساب می‌آید، اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی، جنبش فتح پس از چند دهه مبارزه خود به این نتیجه رسید که با سازش، خلع سلاح شود و از این رو به آسانی آن را پذیرفته و اجرایی کرد. در آن دوره آثار خستگی از مبارزه و کاهش صبر در جریان اصلی مبارز و بخشی از جامعه مشهود بود. نتیجه این خلع سلاح چه شد؟ بخشی از جریان فتح که به مبارزه اعتقاد داشت راه خود را رفت، پس از چند سال کار به جایی رسید که بدنه اصلی بخش سازشکار وارد انتفاضه دوم شد و محوریت مبارزه و محوریت در جامعه به دست گروه‌های تازه تأسیس حماس و جهاد اسلامی افتاد.

این اتفاقات با درنظر گرفتن رضایت جریان مبارزه به خلع سلاح و خستگی‌اش رخ دادند. در شرایطی که جریان مبارز شاید تحت فشار با خلع سلاح موافقت کند، این اتفاقات شدیدتر تکرار خواهند شد. در فضایی فرضی اگر حماس خلع سلاح را بپذیرد، بخشی از این جریان از آن جدا شده و مسیر خود را ادامه خواهد داد، پس از مدتی بدنه اصلی حماس که توافق را پذیرفته از نظر خود پشیمان شده و به مبارزه و سلاح باز خواهد گشت و حماس محوریت را در جامعه از دست داده و به طور فوری جریان دیگری مانند جهاد اسلامی محوریت یافته و در میان‌مدت، گروه‌های جدیدی برای جایگزینی با حماس ظهور می‌کنند.

۲ عده‌ای معتقدند اگر پذیرش فرضی توافق و خلع سلاح رخ دهد، با وجود آنکه مبارزه متوقف نخواهد شد، اما همین ضربه لحظه‌ای و از دست دادن تسلیحات، تأثیر زیان‌بار خود را خواهد گذاشت. در این خصوص نیز تجربه‌ای تاریخی و روندی منطقی وجود دارد. در تجربه تاریخی، گروه فتح که دارای یگان‌ها و سلاح‌های بسیاری در داخل و پیرامون فلسطین بود، سلاح را زمین گذاشت؛ اما گروه‌های جایگزین نه تنها به همان سطح تسلیح شدند، بلکه یک گام فراتر رفته و دست به تولید سلاح هم زدند.

۳ حماس تحت فشار شدیدی قرار دارد اما آنچه مشخص است، قصدی برای ترک مبارزه ندارد. این گروه بر فرض قبول طرح صلح ترامپ، دو نیت خواهد داشت؛ نخست قبول کلی طرح ولی مطرح کردن خواسته‌های اصلی و قبلی خود درباره ترک کامل غزه توسط ارتش رژیم، لزوم تضمین برای بازسازی سریع و آزادسازی تمام اسرا در برابر تمام اسرا تا بتواند فشارها را مدیریت کرده و طرح را به شکل غیرمستقیم رد کند. در این صورت، حماس فضای مانور اندکی برای خود می‌گشاید که البته فشارهای طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای محدود کردن این خواسته‌ها به سرعت تشدید می‌شوند. پافشاری حماس بر برخی خواسته‌های مشروع مانند رفع اشغال و برابری در آزادسازی، می‌تواند طرح ترامپ را به تدریج به محاق ببرد.

دومین راه، قبول کلی و مبهم طرح ولی تزریق ابهام در فرایندهای اجراست. این روش به نوعی در لبنان پیاده‌سازی شد. مقاومت در قالب آتش‌بس خروج از جنوب لیتانی را قبول کرد و سپس دولت بدون موافقت مقاومت، خلع سلاح از مقاومت در سراسر لبنان را پذیرفت، اما در عمل آنچه رخ داد، خلع سلاح نسبی صرفاً در جنوب لیتانی بود. خلع سلاح در لیتانی نیز واقعیت خود را دارد. طی بمباران‌های شدید انبارها و شیرازه یگان‌ها دچار مشکل شده بود و عملاً ارتش رژیم و لبنان برای تحرک در جنوب، شناسایی و امحا آزادی عمل داشتند و از سوی دیگر با وقوع درگیری، مقاومت می‌توانست از ذخایر خود در دیگر مناطق، به سرعت جنوب لیتانی را از نظر سلاح و نیرو تجهیز کند. از این رو به اصطلاح «روغن ریخته شده نذر شد» و امکان برای بازگشت به جنوب نیز باقی ماند؛ هرچند روند خلع سلاح مقاومت در لبنان به بن‌بست برخورد کرده، اما تلاش‌های آمریکا و فشارهای منطقه‌ای همچنان ادامه دارند و کار تمام شده نیست.

احتمال دارد در غزه با تحویل برخی از سلاح‌های سبک و یا تعدادی سلاح سنگین و تخریب قسمتی از تونل‌ها موافقت شود. در این صورت مقاومت عملاً چیزی را از دست نداده است، زیرا مقادیری سلاح طی درگیری‌ها و بمباران‌های شدید روزانه از دست رفته و روند تخریب تونل‌ها همواره جریان داشته است. در چنین وضعیتی آنچه حماس باید مراقبت کند، بالا نرفتن سرعت تخریب بر اساس توافق از میزان تخریب در زمان درگیری‌هاست.

حتی در شرایط پذیرش طرح ترامپ، خلع سلاح ظاهری و نمایشی خواهد بود و احتمال دارد روند تلفات‌گیری از سربازان صهیونیست نیز متوقف نشود؛ به این شکل که فرایند تحویل برخی سلاح‌ها آغاز می‌شود، اما تعدادی از گروه‌های دیگر با حملاتی به سبک کرانه باختری، تلفات‌گیری از سربازان رژیم را اجرایی می‌کنند.

۴ غرب برای زدودن آثار مقاومت از حماس پذیرش توافق و خلع سلاح را درخواست کرده اما مهم آن است که بدانیم، نقطه کانونی مبارزه در کجا قرار دارد. آیا این حماس است که جامعه فلسطینی را به مبارزه تحریض می‌کند و یا این جامعه است که خواسته‌هایش باعث پیدایش گروه‌هایی برای نمایندگی از مردم در حوزه مبارزه شده است؟ آشکار است که حماس ماهیت مبارزه نیست، بلکه خواسته مردم برای مبارزه با اشغالگری باعث شده به مرور گروه‌های مختلف و متفاوتی برای نمایندگی از این مردم در مبارزه ظهور کنند؛ حماس علی‌رغم بزرگی و محوریتش، خود بخشی از نمود مبارزه‌طلبی مردم فلسطین است و در کنار این گروه، ده‌ها گروه بزرگ و کوچک دیگر نیز حضور دارند. تنها در غزه ۱۲ گروه عمده مقاومتی حاضرند که برخی از آن‌ها از نظر کیفیت و کمیت نیروها، تسلیحات، حمایت مردمی و پشتیبانی خارجی دست کمی از حماس ندارند.

۵ گروه‌های مقاومت منطقه پذیرفته‌اند که در صورت توقف حملات به غزه، حملات خود به سرزمین‌های اشغالی و خطوط کشتیرانی آن را متقابلاً متوقف می‌کنند. در این معادله اعلامی، اجبار حماس برای تسلیح و خلع سلاح جایی ندارد. اگر مقاومت منطقه‌ای و یا برخی طرف‌های حاضر در آن که استقلال عمل دارند، رضایتی نسبت به وقایع در حال پیگیری نداشته باشند، این مسئله باعث خواهد شد شهری مانند ایلات همچنان با رکود و کاهش فعالیت‌های اقتصادی روبه‌رو باشد و شهرک‌نشینان در شمال و شرق در هراس از وقوع حملات زمینی زندگی‌شان را سپری کنند و همزمان خطر نفوذ موشک‌ها و پهپادهای انتحاری به مناطق مرزی و یا عمیق سرزمین‌های اشغالی ادامه یابد.

فیلم ترسناک!

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

دوران دبیرستان، معلم پرورشی در جلسه اول شروع به سؤال کردن از بچه‌ها کرد که در آینده دوست دارید چه کاره شوید؟ یک نفر از هم‌کلاسی‌ها گفت دوست دارم مثل صادق زیباکلام شوم! معلم گفت یعنی چه رشته‌ای؟ دوستم با اعتماد به نفس گفت علوم سیاسی! درواقع در این گفت‌وگوی کوتاه دو مسئله کاملاً نمایان بود؛ اول اینکه زیباکلام‌شدن نوعی موفقیت بود. دوم اینکه خواندن رشته علوم سیاسی را به عنوان آینده مطلوب خود صورت‌بندی می‌کرد.

گفت‌وگوی مجید واشقانی با صادق زیباکلام را که نگاه می‌کردم به یکباره یاد آن خاطره افتادم. آیا امروز هم آن دوستم موافق آن آینده‌ای که تصور می‌کرد، است؟ واشقانی که در نقش یک مجری و بازیگر در سال‌های اخیر کار کرده و هیچ‌گاه هم ادعایی در حوزه‌های فرهنگی نداشته است، در مقابل زیباکلام که سال‌های متمادی عنوان هیئت علمی دانشگاه را یدک می‌کشد در استدلال و بحث‌های منطق و فهم جهان بین‌الملل موفق‌تر است! درحقیقت این فیلم بیش از آنکه جذاب باشد، ترسناک است.

چرا ترسناک است؟

پرده اول: آکادمیسین غیرآکادمیک: زیباکلام چند دهه است نقش به اصطلاح آکادمیسین را داراست و چند جلد کتاب و ساعت‌ها بحث و تحقیق دارد. او توان چند استدلال برای یک گفت‌وگوی کاملاً ساده را ندارد و در مقابل مجری که هیچ ایده و یا بحث آکادمیکی ندارد، نمی‌تواند حتی بحثی دارای دقت را ارائه دهد. این عدم یک پاسخ حداقلی آن هم از استاد قدیمی دانشگاه، ترسی را ایجاد می‌کند که آیا واقعاً وضعیت آکادمیسین‌ها خوب است؟ آیا نهاد علمی ما در رشته‌های علوم انسانی افقی مطلوب را طی می‌کند؟ زیباکلام چطور نمی‌تواند در مقابل منطق ساده یک مجری بحثی دقیق و راهگشا ارائه دهد؟ آیا در این لحظه نباید ترسید؟ احتمال اینکه خروجی زیباکلام در دانشگاه هم به این سمت حرکت کرده باشد، وجود دارد و در واقعیت نگران‌کننده است. گویی ما این بار به صورت عریان متوجه این مسئله شده‌ایم که آکادمیسین به شدت می‌تواند غیرآکادمیک باشد.

پرده دوم: تکراری و کلیشه‌ای: زیباکلام را از دهه هشتاد تا امروز تکراری و کلیشه‌ای می‌بینیم. همان حرف‌ها و همان بحث‌های تکراری مقصر همه بحران‌ها ما هستیم و در همه نقاط دنیا همه موارد عادی است و فقط ما رفتارهای غیرعادی داریم. البته شاید مقایسه درستی نباشد، اما مثلاً از میشل فوکو تا سوزان سانتاگ یا حتی چامسکی را که دنبال می‌کنیم مشاهده می‌کنیم بعد از چند سال این متفکران حرف‌های نویی ارائه می‌دهند که افقی نو را تولید می‌کند. یک سطح پایین‌تر، آکادمیسین‌هایی مثل وندی براون یا جان‌گری را هم که دنبال می‌کنیم باز هم مشاهده می‌کنیم حرف‌های تازه‌ای برای جامعه و فضای علمی دارند، اما زیباکلام هیچ پرسشی ندارد. مشابه فردی که تعدادی شعر را حفظ کرده است و برای همه مسائل همان را بیان می‌کند، حال آنکه اصلاً این شعرها ربطی به واقعه ندارند! این تکراری بودن و این کلیشه‌ای بودن زمانی ترسناک‌تر است که تحولات جهانی و اتفاقاتی مثل حمله به دمشق و دو حمله را فردی مثل واشقانی به عنوان حادثه مهم بیان می‌کند؛ اما زیباکلام بدون توجه به آن مجدداً حرف‌های تکراری می‌زند.

پرده سوم: عدم فهم جامعه و قدرت: واشقانی به زیباکلام می‌گوید یکی از مهم‌ترین دلایلی که مردم به کف خیابان نیامده‌اند، قدرت موشکی ایران بود. واشقانی درست می‌گوید. تولید قدرت باعث شد که جامعه بتواند حس ترس خود را کنترل کند و به آینده امید داشته باشد و تاب‌آوری خود را افزایش داد. درواقع این بحث یک منطق طبیعی است که مردم یک جامعه هنگامی که بدانند قدرتی وجود دارد و آینده بهتر از لحظه بحران است، با حکومت خود همکاری می‌کنند. مثال ساده آن را اینگونه می‌توان بیان کرد که تاب‌آوری در بحران کرونا به این جهت بود که جامعه می‌دانست موقتی خواهد بود و ایضاً حکومت هم تلاش می‌کند آن را کنترل کند. این مثال فقط برای ایران نیست، یک واقعیت عینی در کل جهان بود، اما زیباکلام نه از منطق قدرت و نه از چرایی همکاری جامعه گویی اطلاعی ندارد! و این موقعیت نباید اینگونه می‌بود. درواقع واشقانی باید نمی‌دانست و زیباکلام برای او توضیح می‌داد!

پرده چهارم: واشقانی در مقابل شما است نه مرشایمر: زیباکلام متوجه نیست حرف‌های واشقانی حرف‌های سال‌ها مطالعه یا سال‌ها فعالیت در وزارت خارجه نیست. واشقانی یکی از میلیون‌ها انسانی است که تحولات جهان در سه سال گذشته به او ثابت کرده بنیان جهان بی‌رحم و ترسناک است و نمی‌توان به سادگی به دنیا اعتماد کرد! این فهمیدن را صرفاً واشقانی ندارد، قطعاً میلیون‌ها انسان دیگر هم به این فهم دست پیدا کرده‌اند. درواقع زیباکلام نه با مرشایمر که یکی از اندیشمندان نظریه واقع‌گرایی است در حال گفت‌وگوست، بلکه با یک انسان ایرانی روبه‌رو است که متوجه شده افکار زیباکلام‌ها در صحنه واقعی درست نبوده و این تناقض و اشتباه آشکار در تشریح واقعیت، امثال واشقانی‌ها را نگران آینده کشور و وطن کرده است و زیباکلام با یک نگران نسبت به آینده وطن روبه‌رو است، نه یک متفکر که با او بحث معرفتی کند! به نوعی واشقانی نماد خودآگاهی دوره جدید است، اما زیباکلام متوجه نیست و همان‌طور که با سردبیر کیهان در دهه هشتاد بحث می‌کرد، با واشقانی هم وارد بحث شده است. اما درواقع او نمی‌داند مسئله دیگر جدل‌های سیاسی گذشته نیست، لحظه آشکار شدن واقعیت است.

پرده پنجم: تاریخ را واشقانی بهتر خوانده بود: واشقانی از جنگ چالدران، از شکست‌های دیگر ایرانیان به علت عقب‌ماندگی در صنعت نظامی به خوبی مثال می‌زد و از پرسش عباس میرزا می‌گفت، اما زیباکلام گویی منقطع از تاریخ در فضا و در یک وضعیت معلق بحث می‌کرد! بخش زیادی از واحدهای رشته علوم سیاسی تاریخ است، آن هم برای بهتر تحلیل کردن وقایع و کمک کردن به حکمرانی. چطور زیباکلام به این اندازه از تاریخ دور بود؟ و مگر می‌توان تا این حد از تاریخ که یکی از مهم‌ترین منابع برای فهم لحظه حال است دور بود؟ زیباکلام آیا نباید به واشقانی درس تاریخ می‌داد؟ آیا نباید در این گفت‌وگو واشقانی مدام به آموزه‌ها و درک تاریخی‌اش اضافه می‌شد؟ چرا همه موارد عکس بود؟ گویی واشقانی به زیباکلام تدریس می‌کرد!

پرده آخر: واشقانی: من فقط یک مجری هستم آقای زیباکلام: لحظه ترسناک گفت‌وگو آن دقایقی بود که زیباکلام با عصبانیت از واشقانی می‌پرسید چرا اسرائیل به پاکستان و ترکیه حمله نمی‌کند؟ و واشقانی ابتدا با خونسردی تبیین می‌کرد که پاکستان به خاطر آنکه احتمالاً جزء اهداف بعدی باشد، با ما ائتلاف بیشتری کرده است و ترکیه عضو ناتو است و حمله به کشوری که عضو ناتو است طبیعی نیست، یعنی به زبان ساده به خودشان که حمله نمی‌کنند! اما وقتی زیباکلام توان پاسخ نداشت چهره واشقانی آشفته و کلافه شده بود! آن لحظه شاید واشقانی دوست داشت بگوید آقای زیباکلام من یک مجری هستم که روی همین صندلی با بازیگران و سلبریتی‌ها دیگر هم وارد گفت‌وگو شدم. تا امروز هیچ‌گاه احساسی که امروز دارم، یعنی مواجهه با این حجم از تناقض را نداشته‌ام. به نوعی واشقانی خیلی دوست داشت بگوید کاش اصلاً شما را دعوت نکرده بودم؛ چراکه سخت‌ترین اجرا را در حال سپری کردن هستم! و این لحظات کلافه شدن واشقانی به شدت ترسناک است، به این جهت که رسم این بوده که واشقانی برای اینکه میلیون‌ها انسان را از کلافه شدن نجات دهد از استادی دعوت می‌کرده تا با پاسخ‌های دقیق به پرسش‌های مرسوم، کمک‌کننده باشد اما حالا آن استاد مدعو مجری را کلافه کرده است. حال با اذهان مخاطبان چه کرده است، خدا می‌داند.

تحلیل مضمون سخنرانی مهم رئیس‌جمهور روسیه دربارهٔ غزه، ترامپ، ناتو و...

در ذهن مرد یخی چه می‌گذرد

ادامه از صفحه یک

رئیس‌جمهور روسیه با طعنه‌ای غیرمستقیم به این صحنه‌آرایی با اشاره به اینکه روسیه با سهم ۲۵ درصدی، دومین تأمین‌کننده بزرگ اورانیوم برای ایالات متحده است، گفت: «بزرگ‌ترین تأمین‌کننده، یک شرکت آمریکایی - اروپایی است که حدود ۶۰ درصد سوخت هسته‌ای بازار ایالات متحده را تأمین می‌کند. روسیه با تقریباً ۲۵ درصد، دومین تأمین‌کننده بزرگ اورانیوم برای بازار آمریکا است.» او در ادامه اعلام کرد: «روسیه در نیمه اول سال ۲۰۲۵ حدود ۸۰۰ میلیون دلار اورانیوم به واشنگتن فروخته است و این رقم تا پایان سال از یک میلیارد دلار فراتر خواهد رفت و ایالات متحده در حال خرید اورانیوم از روسیه است.»

۳ برتری رابطه با چین

پس از دیدار رؤسای جمهور آمریکا و روسیه در آلاسکا برخی مشکوک بودند که احتمال دارد روس‌ها بار دیگر فریب خورده و در معامله با غرب، به خود و شرق آسیب برسانند. پوتین در سخنان خود اما ضمن تأکید بر اینکه «روابط روسیه با چین مبتنی بر اعتماد برقرار شده است»، گفت: «سفر به چین گسترده‌تر از دیدار با ترامپ در آلاسکا بود.» تأکید بر وجود اعتماد میان مسکو و پکن و در عین حال مقایسه میان حضورش در آلاسکا با شرکت در رژه چین، حکایت از تثبیت موقعیت روسیه در جبهه شرق دارد.

۴ اظهارنظر محتاطانه درباره طرح ترامپ پیرامون غزه

رئیس‌جمهور روسیه درباره طرح ارائه‌شده توسط ترامپ برای آتش‌بس در غزه، بدون آنکه نظر کاملی درباره پذیرش آن بیان کند، با ملاحظه تأکید کرد «آماده» است با آن همراهی کند. بیان آمادگی تلویحاً به این معناست که طرح ترامپ نیاز به بررسی دارد. پوتین در همین راستا اعلام کرد «درک دیدگاه فلسطین در مورد این طرح مهم است.» او با این سخن، عملاً بیان نظر نهایی روسیه را مستلزم زمان و مشخص شدن نگاه خود فلسطینی‌ها دانست. رئیس‌جمهور روسیه نه تنها الزامی به رد طرح ترامپ نداشت، بلکه با بیانی دیپلماتیک تلاش کرد جلوی خسارت‌ها به وجهه خود را از نظر رسانه‌ای بگیرد. اگر پوتین نگاهی منفی به طرح را مطرح می‌کرد و سپس حماس با وجود اعلام ملاحظات، کلیت طرح را می‌پذیرفت، آنگاه رسانه‌های جریان اصلی غرب فضایی می‌ساختند که در آن پوتین متهم می‌شد طرحی را که حتی حماس نیز پذیرفته، رد کرده است.

۵ قدرت در حال محو اروپا

پوتین اروپا را یک قدرت «در حال محو شدن» توصیف کرد. او در این باره گفت: «این اتحادیه بسیار قدرتمند با پتانسیل بسیار زیاد است. این یک مرکز تمدنی قدرتمند است؛ اما مرکزی که در حال محو شدن است. اتحادیه اروپا همچنان در حال محو شدن و کوچک شدن خواهد بود.» این نظر تقریباً در اجماع با نظر کارشناسان حوزه بین‌الملل قرار دارد. وقوع جنگ در اوکراین، نفوذ روسیه و آمریکا را به طور هم‌زمان در قاره سبز بالا برد و کشورهای این قاره را تضعیف کرد. نتیجه دیگر، کاهش تمرکز و توان مداخله اروپا در دیگر نقاط جهان بود.

قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
حوزه ثبتی نوشهر
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.
املاک متقاضی واقع در قریه تازه‌آباد پلاک ۱۷ اصلی بخش ۱ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۳/۳۴۷۸
رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۱۹۸۶۶ پلاک ۱۹۶۳ فرعی آقای امین عطائی نمین فرزند شکور نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری زراعی) به مساحت ۲۲۶/۸۴ متر مربع خریداری بدون واسطه/باواسطه از آقای امیر نور محمدی لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رأی هیات الصاق تا درصورتی که اشخاص ذی‌نفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
میم الف: ۲۰۰۴۷۳۱
علی‌اکبر مقدسی‌فر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رأی ۲ و ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۱۳۰۱۹۲۲۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای/خانم سعیده معروفی و هنگامه زرگری فرزند محمد ابراهیم و علی رضا بالسویه نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی به مساحت ۱۵۶/۳۰ متر مربع به شماره پلاک ۳۹۴ فرعی از ۱۶ اصلی واقع در قریه سنگ چالک بخش ۱۱ خریداری شده از آقای/خانم سیدروح اله حسینی محرز گردیده است لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی/سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رأی هیات الصاق تا درصورتی که اشخاص ذی‌نفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
میم الف: ۲۰۰۴۲۶۲
عین‌اله تیموری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۱۳۰۲۲۷۹۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای/خانم سیدمجتبی حسینی فرزند سیدباقر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی به مساحت ۱۲۱/۵ متر مربع به شماره پلاک ۵۴۷ فرعی از ۲۲ اصلی واقع در قریه دارکلا بخش ۱ خریداری شده از آقای و خانم آفاق کلاته محرز گردیده است. لذا به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی/سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا درصورتی که اشخاص ذی‌نفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
میم الف: ۲۰۰۴۲۵۶
عین‌اله تیموری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66348018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY